

فقر فرهنگی و بی‌حرمتی به درخت

حفظ فضای سبز تنها در گرو همت شهروندان است، زیرا حتی در شرایطی که شهرداری و فضای سبز درختی را بکارند باز هم این شهروندان هستند...



اسماعیل کهرم: حفظ فضای سبز تنها در گرو همت شهروندان است، زیرا حتی در شرایطی که شهرداری و فضای سبز درختی را بکارند باز هم این شهروندان هستند که مسئولیت حفظ و نگهداری درخت را به عهده دارند. ما مردمی هستیم که روی تنه درختانی که در پارک‌ها قرار دارند یادگاری می‌نویسیم یا در شهرک‌هایی مانند شهرک امید تهران، همه شاهد بودیم که چطور برخی خیلی راحت درختان چندین ساله را کنند تا به جای آن پارکینگ احداث کنند. انواع و اقسام حيله‌ها به کار بسته می‌شود تا یک درخت خشک شود.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از روزنامه آرمان، من اینجا این روش‌ها را به دلیل اینکه بدآموزی دارند با جزئیات عنوان نمی‌کنم، اما با انواع و اقسام روش‌ها، سموم هر درختی در عرض مدت زمانی کوتاه خشک می‌شود. کم‌توجهی‌ای که دولت ما به فضای سبز دارد در کنار کم‌توجهی خود ما به درختکاری باعث شده است با معضلی جدی در زمینه درخت و فضای سبز مواجه شویم. فقر فرهنگی در بی‌حرمتی به موجودات زنده نمایان می‌شود. دین ما برای درخت ارزش و اهمیت ویژه‌ای قائل است تا جایی که پیامبر ما مسلمانان، حضرت محمد (ص) فرموده‌اند: شکستن شاخه‌های درختان همانند شکستن بال فرشتگان است.

حفظ محیط زیست، جزئی از تمدن ما

احترام و توجه به درخت در ایران و در فرهنگ ما ایرانیان مانند احترام به سایر موجودات زنده و حیوانات جا نیفتاده است و به همین دلیل ناسا (همان سازمانی که انسان را به ماه برد و برگرداند) چندی پیش در کنفرانسی در آلمان که من هم در آن حضور داشتم درباره وضعیت جنگل‌های ایران اعلام کرد: سالانه ۱/۵ تا دو درصد از جنگل‌های ایران نابود می‌شود. تصور کنید با این میزان از آسیب، چقدر طول می‌کشد تا ایران کاملاً با فقدان فضای سبز مواجه شود؟ دقیقاً ۵۰ سال. این پیش‌بینی حقیقت دارد. با تداوم این شرایط، در سال‌های ۲۰۵۰ تا ۲۰۶۰ اثری از جنگل‌هایی که امروز می‌شناسیم در ایران باقی نخواهد ماند. در این شرایط سازمان جنگل‌ها و سازمان محیط زیست در فقر کامل از نظر منابع مالی و تکنیک به سر می‌برند. در کنار این روند جنگل‌های ایران می‌سوزند و از بین می‌روند در حالی که هر جنگل‌بان در ایران ۱۷ هزار هکتار زمین را تحت کنترل دارد و این درست مانند این است که ۳۴ هزار زمین فوتبال را به کسی بدهند و به او بگویند از این زمین‌ها مراقبت کن! مگر چنین چیزی ممکن است؟ حدود ۷/۸ درصد اراضی کشور ما تحت کنترل سازمان حفاظت محیط زیست است. یعنی ۱۳ میلیون هکتار که برای کنترل آن به ۱۱ میلیون جنگل‌بان نیاز داریم. معلوم است که ایران چنین بودجه‌ای ندارد. در سوئیس در برخی نقاط حتی شروع به آتش زدن و جرقه زدن هم مجازات زندان دارد، اما ما کم‌کاری می‌کنیم چون محیط‌بان و شکاربان و جنگل‌بان نداریم. چون بودجه نداریم، به این دلیل که حفظ محیط زیست و جنگل و منابع طبیعی، اولویت دولت ما نبوده است.

درختانی که دیگر نیستند

چندی پیش یکی از دوستانم از من مشورت می‌خواست برای اینکه سمی پیدا کند تا پای درختی بریزد که جلوی مغازه‌اش بود. وقتی از او علت را پرسیدم و به او گفتم حیف است چنار با این قدمت چندصدساله خشک شود، او در جواب من گفت: این درخت باعث می‌شود تابلوی مغازه من دیده نشود! این فرهنگ ما در نحوه مواجهه ما با گیاهان است. در حالی که در تاریخ ما آمده: خشایار شاه، چهارمین پادشاه هخامنشی، از جایی عبور می‌کرد که در آنجا درخت تناوری کاشته شده بود. او وقتی این درخت را دید فردی را گماشت فقط برای اینکه از این درخت مراقبت کند. در گذشته درختانی در این آب و خاک وجود داشتند که یک لشکر زیر سایه آن استراحت می‌کردند. من خودم سال‌ها قبل درختی را دیدم که از شدت بزرگی و عظمت، صدها گوسفند زیر سایه آن ایستادند و ساعات گرم روز تابستان را در سایه این درخت نشخوار می‌کردند.

درختان در سایه بی‌علاقگی ما نابود می‌شوند همان‌طور که چنار امام‌زاده صالح نابود شد. چناری که در گذشته در سردر خانه هر ایرانی قرار داشت حکم پدر را برای او داشت. در حال حاضر از نظر میزان فضای سبز برای هر ایرانی در شهرهای بزرگ و از جمله تهران یکی از فقیرترین کشورها هستیم. هر شهروند ایرانی به زور ۱۷ متر فضای سبز دارد و در این شرایط دانشگاه آزاد اسلامی در ارتفاع بالای ۱۸۰۰ متر که فقط اختصاص به جنگل دارد، دانشگاه می‌سازد. اگر اطراف شهرها و در ارتفاعات ۱۸۰۰ متر به بالا جنگل داشتیم ریزگرد نداشتیم. هر هکتار جنگل در سال ۷/۵ تن ریزگرد را مهار می‌کند. ریزگردها در حال حاضر به دلیل خشکی تالاب‌های داخلی و خارجی به معضلی اساسی برای کشور و سلامتی شهروندان تبدیل شده‌اند و در جنوب کشور به واسطه همجواری با کشورهای مانند عراق که منشأ این ریزگردها هستند این قضیه شدت گرفته است. این در حالی است که اگر جنگل وجود داشته باشد و در ارتفاعات شهرها فضای سبز نابود نشود، ریزگردها کامل مهار می‌شوند. این قاعده درباره شهرهای جنوبی کشور هم صادق است.

سرانه هر تهرانی، یک درخت

درخت و توجه به آن هم در هویت ما و ایرانی‌بودنمان ریشه دارد و هم در دین ما بر حفظ درخت تأکید فراوان شده است اما باز هم کمتر کسی را می‌توانی پیدا کنی آن‌طور که باید و شاید لزوم این امر را درک کرده و درخت را همچون انسانی زنده تکریم کند و تصور نکند چون درخت زبان ندارد می‌تواند هر بلایی بر سر آن بیاورد. می‌گویند سرانه هر تهرانی یک درخت است، تصور کنید اگر هر تهرانی فقط و فقط یک درخت و نهال را به خانه آورده و بکارد تهران و به دنبال آن سایر شهرها چه گلستانی خواهد شد. درخت رطوبت و طراوت به محیط می‌دهد و آلودگی هوا را از بین می‌برد. درخت سراپا فایده بوده و همه جوره مفید است. درختان آب را از ابر گرفته و از طریق خاک، به اعماق زمین می‌برند. به قول مولوی، شاعر مطرح کشورمان: این درختانند همچون خاکیان، دستها بر کرده‌اند از خاکدان، با زبان سبز و با دست دراز، از ضمیر خاک می‌گویند راز. به فرزندانمان احترام به درخت را بیاموزیم و از خدا تشکر کنیم. در کنار میلیون‌ها خودرو موتورسیکلتی که هوا را آلوده می‌کنند یک کارخانه طبیعی به نام درخت داریم که سموم نفسگیر را می‌گیرد و آن را تبدیل به اکسیژن می‌کند. این کارخانه طبیعی را تعطیل نکنیم.

* مشاور رئیس سازمان حفاظت محیط زیست